

جشنهای یارسان

محمّد پور حسن

یارسانان در روز نهم ماه رجب و در شب نهم ماه رجب جشن یارسان می‌گیرند. این جشن در تمام مناطق یارسان برگزار می‌شود و در آن روز مردم با لباسهای سفید و سبزه‌ها و گلها به جشن می‌روند. در این جشن مردم با هم آواز می‌خوانند و سرود می‌خوانند و در بعضی مناطق با هم می‌رقصند. در این جشن مردم با هم دعا می‌خوانند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌خورند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند. در این جشن مردم با هم می‌نهند و در بعضی مناطق با هم می‌نهند.

ارستان پژوهی، سال ۱۹، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

شب سوم «کاملک جان» یا به گویش لکی «کامریژان» می‌گویند و آخرین شب «پیر موسی» که دفتردار بوده و نذرهای مردم را نوشته است.
البته محققان دیگر به «پیر شالیار» و «کمچه لیس» نیز اشاره داشته‌اند.

عید شاهویی یا عید یاران

شاهو یکی از کوهستانهای مرتفع کرمانشاه بوده و دماغه شمال باختری آن به رودخانه سیروان منتهی شده و مجدداً در همان خط سیر و به نام کوه تخت نامیده شده تا به بخش رزاب منتهی می‌شود.

و نیز پیر ندر شاهویی که یکی از نودونه پیر شاهو است، بنابه خلاصه نامه سرانجام وی در قرن هشتم هجری می‌زیسته و مشهور به صلاح و تقوی بوده و از یاران و پیروان سلطان اسحاق به شمار می‌رود و در اورامان زندگی را به درود گفته است.

در نسخه دست نویس در تعیین عید شاهویی این چنین نوشته شده است:

«شاه مسند نشین نخت سوز حیدر محمد نور بخش کرد اهل حق تمام یکسر، که جشن دین دلفان معین ژ پردیور (محلی از اورامان، در حوالی دپه شیخان، شمال رودخانه سیروان) قلم زرین نیک افسر و حکم شاه والا فر مولاعلی ابن ابی طالب از تاریخ حسابش را که حاضر ثبت آن دفتر، که هیجده از سپیدی عید سلطانی ژ پردیور پانزده سپیدی پیش وار عید سلطانی شب نیت که چله اول یاران که فصل زمستان و شانزده رسمیت بنیامین که شرط آن تمامند، هفده خدمت داوت، هیجده عید سلطانند کامری جان نوزده خدمت زرین قلم او کاتب دفتر پیر موسی دفتر ثبت که ریاضت اهل کل هم یکسر، بیستم خدمت ژربار مدامند و آتش او کردار، سرمه و یک کرده بابت بهر که حاضر ثبت اون طومار دانم فرمان والا فر کریم جشن پردیور محمد نور بخش کرد دلفان کل هم یکسر» چند تا کلمه موضوع تعیین جشن یارسان دلفان که در «پردیور معلوم شد از این قرار است»: «اول و آخریاری» آداب و رسوم جشن یاران در هفت شب به توالی ذیل است:

۱. شب نیت، ۲. شب (شیر قوطی) ۳. کامریژان (کامریجان)؛ ۴. شب پادشاه؛ ۵. شب پیر موسی؛ ۶. پیر شالیار (شهریار)؛ ۷. شب ژربار.

در اصل طبق «نخته خان الماس» چهار شب است ولی بعضی مردم اگر توانایی داشته باشند شش یا هفت شب هم جشن می‌گیرند. مثل: شب خاتون راز بار رمز بار و رز بار هم می‌گویند برخی به گویش لکی «فضح» یا «فضه» یک شب هم به خاطر خان الماس و شاید بینامین اضافه می‌کنند.

تمام شرکت کنندگان در جشن چه در خانه و چه در جم خانه، سروکمر و شال بسته، چشم بسته، دوزانو، یا کدامن جمع را تشکیل می‌دهند.

آنچه که اخلاقیات گذشتگان را در چهار اصل مشخص مذاهب ایران باستان مشخص نموده است ۱. مهر و بستن چشم؛ ۲. مهر باطن و دل؛ ۳. مهر زبان؛ ۴. مهر دست از گرایش به زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست.

مهر کن دیده و دل و زبان وهم دس هر چار بسپارن و شاه بون بس
 مولا شرطش کرد او چنی پیره اِکس نوخشن ایی سه تقصیره
 ایی سه تقصیره نندارو بخشان اول چنی جفت حقیقت لخشان
 دوم طعنه سخت خاندان کردن سوم و پیمان یاری و یردن
 یاری چار چیشتن باوری و جا پاکسی و راسی و نیسی و ردا
 هر کس ایی چار چیشتن باوری و جا چمان حج کرده و کعبه خدا

چهار منش دیگر عبارتند از: پاکسی، راستی، نیستی، ردا.

(۱) پاکسی کالبد و روان در این شعر هم به آن اشاره شده است

تن پاک، لباس پاک، دیده پاک، دل پاک شکر دمامد برز بو و افلاک

(۲) راستی: عبارتست از راستکاری با خویشتن و دیگران که هر کس باید نخست با خود راست باشد تا بتواند با دیگران به راستی زید.

(۳) نیستی: یعنی نیست و نابود کردن کبر غرور و خود پسندی و خود خواهی و هوی و هوس نفسانی و طغیان شهوانی و تمام رذایل اخلاقی از خودش و بطور مطلق تسلیم مقدرات شود. غیر از رضای خدا چیزی نخواهد از خود بی خود و فنا فی الله گردد و بعد از طی مرحله رضا به مقام تسلیم که آخرین مرحله است رسیده باشد.

(۴) ردا یاردا: یعنی دوری از کینه و انتقام جویی، خدمت و کمک و فداکاری بی ریانسبت به مخلوق خدا.

اینان راستگویی و درست کرداری و نیک پنداری را شعار خود کرده و تجاوز به مال و ناموس مردم را گناهی بزرگ و غیر قابل بخشش می دانند.

پنجشنبه شب از هر هفته وقت جشن نذر و قربانی است. هر کس نذری یا قربانی دارد به یکی از بزرگان محل خود اطلاع می دهد. آنان نیز به همه مردم اعلام می کنند که در این هفته نذر قربانی می شود. صبح روز پنجشنبه تمام افراد باید در مراسم نذر و قربانی شرکت کنند آنها غسل نموده و عصر روز پنجشنبه تا نزدیک غروب دعا می خوانند.

حقیقه و پخته پخش

گوسفند یا قربانی یارسان و لرها و لکها را گویند وقتی بخواهند قربانی کنند تحت شرایطی و در محیطی که تا ۳۰ متر سگ باید از آنها دور باشد. بعد چالهای در زمین کرده قربانی را می آورند و قبل از کشتن او را آب و نبات می دهند. آنگاه یکی از طایفه خلیفه بَور bover که مجاز به قربانی کردن هستند، عمل سر بریدن را بسوی قبله انجام می دهد. خون قربانی در آن چاله ریخته شده با خاک پوشیده می کند. بعد قربانی را پوست کنده و گوشت و استخوان را با هم می پزند. پس از پخته شدن باصلاح دید بزرگ طایفه استخوانها را جدا کرده در جای پاکسی دفن می کنند و گوشت پخته را بین شرکت کنندگان تقسیم می کنند که این نوع قربانی را پخته پخش می نامند. آنچه در میان سایر

مسلمانان معمول است که گوسفندی را به نام عقیقه در ایام عید قربانی می‌کنند بی‌شبهت به همین قربانی حقیقه نزد یارسان نیست.

البته سید خان الماس در کلام شعرگونه خود آداب دیگری را هم خواسته است کشتن و ذبح کردن قربانی که با مراسم مخصوصی اجرا می‌شود، پس از آماده شدن آن را، به جمعخانه می‌برند و خادم دستهای خود را تا آرنج می‌شوید و پس از برگزاری به جم خانه می‌آید و با گفتن (اول و آخر یار) چند قطره از آب آفتابهای که در دست دارد برای برکت و فزونی به لگن می‌ریزد و تعظیم می‌کند و بعد از آن بلند می‌شود و مشغول شستن دستهای جم نشینان می‌گردد و اول از سید شروع می‌کند. هر یک از میهمانان موقعی که دست هایشان را می‌شویند، و سپس دستی به سر و صورت شان می‌کشند و اول و آخر یار می‌گویند.

پس از برگزاری جم، نشستن و برخاستن ممنوع است. بنابراین اگر کسی در هنگام شستوی دست به جم خانه بیاید، باید در کنار در بایستد.

پس از این مراسم، خادم با گفتن اول و آخر یار سفره را می‌گستراند و نمک و نان و گوشت قربانی را با کاسهای آبگوشت می‌آورد و پیش خلیفه پُور می‌گذارد و خلیفه بنابه اجازه جم نشینان استخوانهای گوشت قربانی را جدا می‌کند و پس از جدا کردن استخوانها، خادم آنها را در کاسهای می‌ریزد و به آن نمک می‌پاشد و آنگاه خلیفه با صدای (اول و آخر یار) گوشت قربانی را مساوی تقسیم می‌کند. مرحوم نجفعلی میرزایی در باره این مراسم می‌گفت: «بزرگ به هنگام توزیع لقمه، استخوانها را در سطل می‌ریزد، گوشت پخته با قاشق تمیز به چهل تیری یا چهل بخش یکرنگ تقسیم می‌کند و هر لقمه را در یک تیری لواش پیچانده و بدست یکی از جمع نشینها می‌دهد. و خلیفه طلب دعا می‌کند مثلاً دعای جم نشین».

هیچکس در جم نشین اجازه راحت نشستن ندارد، هیچکس اجازه ندارد استخوانها را لیس بزند بعد از مرخصی جمع استخوانها را در پارچه‌ای پاکیزه گذاشته به آب می‌سپارند.

آنگونه که آقا کرم قلندری در بلوران می‌گفت: مرحوم شامیرزا قلندری که تا سن ۹۸ سالگی زندگی کرده قریب ۴۰۰ گوسفند نر داشته همه آنها را نذر و قربانی نموده است.

بزرگ قوم در قربانی وظیفه دعا خواندن به قربانی را دارد و هفده رأس از گوسفند را حوام می‌داند قربانی را در زبان محلی «بتون» می‌نامند. دعای اول را دعای «دم چخو» می‌نامند. این کلام را به روایت هیمة بلورانی می‌آوریم:

(۱) کلام دم تیغ: شاه قلندر او سر او دور بی قربانی ازل مخفی، از دور بی و اشاره شاه شرط بنیامین و ردایی داوت و قلم زرین پیر موسی و خدمت کرده پاک رزبار و هیمت چهل تن و نفس هفتن و کرم مولا هو.

(۲) کلام دوم زمانی که قربانی طبخ شده و کسی اجازه خوردن لقمه‌های گوشت پخش شده را ندارد تا این دعا خوانده شود:

«قربانی قبول مراد حاصل، بحق و اصل، قربانی بحق پاساج نارکله زرده، گاو ایوتخشار و اشاره شاه

و شرط بنیامین وردایی داوت و قلم زرین پیر موسی و خدمت کرده و پاک رزبار و هیمت چل تن و نفس هفتن و کرم مولا هو.

منظور از شاه همت از شاه ابدالان، شاه ولایت، مرتضی علی (ع) ابن ابی طالب (ع) بوده است.
۳) کلام سوم را گرده دار می نامند یعنی پوست را قیمت کرده و هر سری دو گرده دار در این بخش اگر بهای پوست را کسی نبرد آن را خود مجدداً نذر می کند: «سفره نور بد بلا دور خیر خدمت قبول به روز و نور سفره مردان جمع چهل تنان ارکان شاه مردان و اشاره شاه و شرط بنیامین و رادایی داوت و قلم زرین پیر موسی و خدمت کرده پاک رزبار و هیمت چهل تن و نفس هفتن و کرم مولا هو.»
۴) در کلام چهارم «آب چرخ» می آورند که تشنگی را رفع کند و در جمع آن را می چرخانند. یا بعضی ها که مشتاق نوشیدن این آب هستند بعد از آن دعا می کنند:

کوثر ظهور بنوشان یاران

جمع لاقوسول جام قدرتمند

از ازل سرشته بنیامین بخشگر موسی نبشته

و دس داوت خادمان و جمع مردان یکرنگ بنوشان و هم و اشاره شاه و شرط بنیامین و ردایی داوت و قلم زرین پیر موسی و خدمت کرده پاک رزبار و هیمت چهل تن و نفس هفتن و کرم مولا هو.
۵) بعد از کلام رخصت جمع هر طور که بخواهند می توانند بنشینند و اشکالی ندارد. بهر شکلی می توانند قربانی را بخورند. دعای مرخصی جمع به شرح ذیل است:

سرو پاگناه خواجوم بنیامین بیو و سر صلا

و هیمت جمع رفع بوگشت درد و بلا بوخشن جمله گناه را راه روان بقای جاودان مرخصی

معوصان

سر سینه مردان شفای مریضان فیروزی سفریان

درشت شمشیر مردان قاپی جمع گشاد و امر پیر استاد

جمع نشین آزاد اول آخر یار حکم عزیز شاه «قلند هو» آنگاه با صدای بلند می گوید: «جمع صلا» و در پاسخ جمع نشینان: «دوستان بی بلا».

ساجنار به اصطلاح یارسان چشمه خورشید را گویند که در زیر آن را با ارواح یاران پیمان ازلی بسته شده است، زیرا آن عالم معنوی یا محل خلوت جهان پیش از خلقت از لحاظ محیط نور و حرارت تشبیه به چشمه خورشید شده است.

ساجنار در حقیقت هورخش است که شیخ اشراق در نوشته های خود از آن یاد کرده است. سهروردی در کتاب هیاکل النور می گوید: چون نور شریف ترین موجودات است و شریفترین اجسام درخشنده آنها است، و از پدر مقدس پادشاه است او هورخش یا خورشید است که روشنی او بر همه جا چیره گراست. و فرمانروای آسمان و سازنده روز یکتای نیرومندی. ❁